



Woman in Culture and Arts

Discourse Semiotics of Gender in Two Novels *This Street Has no Speed Bumps* and *Rahesh*

Narjes Ghabeli¹ | Alireza Asadi² | Seyyed Aliasghar Soltani³

1. Phd Student of Persian language and literature, Ilam University, Ilam, Iran. E-mail: s.narcissus@yahoo.com

2. Corresponding author, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran. E-mail: a.asadi@ilam.ac.ir

3. Assistant Professor of English language and literature, Bagheral Uloom University, Qom, Iran. Email soltani@bou.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 18 March 2022 Received in revised: form 10 June 2022 Accepted: 16 June 2022 Published online: 30 December 2024 Keywords: <i>Discourse Analysis,</i> <i>Gender,</i> <i>Laclau And Mouffe,</i> <i>This Street Has No Speed Bumps,</i> <i>Rahesh.</i>	Novels, as cultural artifacts, are indicative of a society that is characterized by a variety of discourses. Each discourse, with its own configurations, is perpetually striving to establish its meanings as hegemonic. The current research is an endeavor to interpret the discourse semiotics of gender in the two novels <i>This street has no speed bumps</i> and <i>Rahesh</i> with a focus on the theories of Laclau and Mufefe. The primary concern in the current research is the portrayal of gender in these novels. Additionally, the author's perspective on gender is reflected in the novel, as well as the author's mentality. In terms of methodology, it is a descriptive and qualitative research that employs the library method to gather data. The novel is analyzed in accordance with this method on three levels: textual, intertextual, and contextual. The semiotics of the novel's characters and the discourse order of the novel are the primary focus of textual analysis. Intertextual analysis compares each novel to other novels from the same era, while contextual analysis investigates the relationship between the novel and the broader social context. Ultimately, the examination of the propositions demonstrated that the primary theme and concern of the novels are the social construction of gender and the apparent conflict between tradition and modernity. This conflict is implicitly reflected in the inner layers of the text and lexical reflection, and the main character of the novels is at all times caught between the biological construction of gender and its social construction.
Cite this article: Ghabeli, N., Asadi, A., & Soltani, A. A. (2024). Discourse Semiotics of Gender in Two Novels <i>This Street Has no Speed Bumps</i> and <i>Rahesh</i>. <i>Woman in Culture and Art</i>, 16(4), 483-504. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2023.363168.1947	
© The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2023.363168.1947	





انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

نشانه‌شناسی گفتمانی جنسیت در دو رمان این خیابان سرعت گیر ندارد و رهش

نرجس قابلی^۱ | علیرضا اسدی^۲ | علی اصغر سلطانی^۳۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: s.narcissus@yahoo.com۲. نویسنده مسئول، دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: a.asadi@ilam.ac.ir۳. دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران. رایانامه: soltani@bou.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰	
کلیدواژه‌ها:	
این خیابان سرعت گیر ندارد، رهش، جنسیت، لاکلا و موف، نشانه‌شناسی.	رمان به مثابه محصول فرهنگی، نماینده جامعه‌ای با گفتمان‌های گوناگون است. هرکدام از این گفتمان‌ها با پیکربندی‌های خاص خود، مدام در تلاش برای یافتن مطلوب خود هستند تا معانی خود را هژمونیک کنند. پژوهش حاضر، تلاشی جهت واکاوی نشانه‌شناختی-گفتمانی جنسیت با تأکید بر نظریه لاکلا و موف در دو رمان این خیابان سرعت گیر ندارد و رهش است. براین اساس، مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که جنسیت در این رمان‌ها چگونه بازنمایی شده است، تفکرات جنسیتی چگونه از طریق ذهنیت نویسنده در نگارش رمان بازتاب یافته‌اند و نویسنده چه دیدگاهی نسبت به آن‌ها دارد. پژوهش پیش‌رو از لحاظ روش‌شناسی توصیفی و کیفی محسوب می‌شود که گردآوری داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است. طبق این روش، تحلیل رمان شامل سه سطح است: تحلیل متنی، تحلیل بینامتنی و تحلیل بافتی. تحلیل متنی به نشانه‌شناسی شخصیت‌های رمان و پیداکردن نظم‌های گفتمانی رمان اختصاص دارد. در تحلیل بینامتنی، هر رمان با رمان‌های هم‌دوره مقایسه و در تحلیل بافتی، رابطه رمان با فضای اجتماعی کلان‌تری بررسی می‌شود. در نهایت، با تحلیل گزاره‌ها مشخص شد اصلی‌ترین دغدغه و درون‌مایه رمان‌ها جدال آشکار بین سنت و مدرنیته در برساخت اجتماعی جنسیت نهفته است که به صورت ضمنی در لایه‌های درونی متن و گزینش واژگانی بازتاب یافته و شخصیت اصلی رمان‌ها در تمامی مراحل در جدال بین دو برساخت زیستی جنسیت و برساخت اجتماعی آن قرار دارند.
استناد: قابلی، نرجس، اسدی، علیرضا، و سلطانی، علی اصغر (۱۴۰۳). نشانه‌شناسی گفتمانی جنسیت در دو رمان این خیابان سرعت گیر ندارد و رهش. زن در فرهنگ و هنر، ۱۶ (۴)، ۴۸۳-۵۰۴. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2023.363168.1947	
DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2023.363168.1947	
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.	© نویسندگان.



۱. مقدمه

پسر یا دختر به دنیا آمدن، پیامدهای مهمی برای جنبه‌های مهم زندگی دارد: از انتظارات و توقعات اجتماع و رفتار دیگران با شخص، تا واکنش رفتاری آن شخص با اجتماع. اینکه افراد یک جامعه درباره جنسیت مؤنث و مذکر چگونه می‌اندیشند، چه ویژگی‌هایی را به هریک نسبت می‌دهند، چه انتظاراتی از هریک دارند و روابط میان آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنند به ایدئولوژی‌های حاکم بر آن جامعه بستگی دارد.

مؤلفه‌های زنانه و مردانه، با توجه به ساختار متفاوت بدنی آن‌ها، دو گروه متمایز جامعه را شکل می‌دهند. جنسیت، برخلاف جنس که به تفاوت‌های بیولوژیکی اشاره دارد از میان نظام‌های اجتماعی بر ساخته می‌شود و به ویژگی‌ها و حالات شخصی و روانی که جامعه آن را تعیین می‌کند، اطلاق می‌شود. جنسیت اجتماعی، یکی از عواملی است که بر فرادستی یا فرودستی افراد تأثیر می‌گذارد. بسیاری از تحقیقات جدید در حوزه جنسیت بر این نکته تأکید دارند که «تفاوت‌های جنسیتی عمدتاً اکتسابی هستند نه ارثی» (Garrett, 2016: 6).

جنبش اجتماعی زنان، اثرات تعیین‌کننده و دامنه‌داری در بر ساخت جنسیت در اجتماع داشته است. فمینیست‌ها به عنوان مدافعان جنسیت اعتقاد دارند که «زنان باید به عنوان افراد مستقل و قائم به خود به رسمیت شناخته شوند و از پیش فرض دانستن اینکه تفاوت‌های فردی بین زن و مرد، طبیعی است سر باز می‌زنند» (Garrett, 2016: 5). ریشه ظهور فمینیسم را می‌توان در قرن نوزدهم همراه با تحولات بعد از عصر روشنگری و انقلاب صنعتی جست‌وجو کرد. رمان‌نویسان قرن نوزدهم همچون جرج الیوت در بریتانیا و ژرژ ساند در فرانسه، نگرش‌های اجتماعی درباره زنان را مورد انتقاد قرار دادند، اما پیش از آن‌ها مری ولستون کرافت با نوشتن کتاب *استیفای حقوق زنان* (۱۷۹۲) توجه افکار عمومی را به موقعیت سیاسی زنان جلب کرد (Basheyeh, 2013: 290). وی به شدت علیه رمان‌هایی موضع می‌گیرد که احساس و عاطفه را در نویسندگان زن به قیمت فداکردن خرد و قدرت تجزیه و تحلیل تشویق می‌کنند. او در این باره می‌نویسد: «زنانی هستند که مجذوب اوهام رمان‌نویسان کندذهن هستند که چیز اندکی از طبیعت انسان می‌دانند» (Robbins, 2009: 55). این جنبش به سرعت سیر حرکت خود را از جامعه‌شناسی به سوی رشته‌های دیگر از جمله ادبیات تسری داد؛ به گونه‌ای که نه تنها جهان متن^۱ بلکه جهان خارج از متن^۲ را نیز تحت تأثیر خود قرار داد (Green & Labihan, 2013: 328).

1. Text

2. Context

این جریان در ایران پس از مشروطه، به عنوان یکی از دغدغه‌های زنان در عرصه اجتماعی و همچنین ادبیات، شکل تازه‌ای به خود گرفت. زن ایرانی در تقابل با دنیای سنتی و مدرن «از گذرگاه‌های تیره‌ای عبور کرده است تا بتواند هویت خویش را با نوشته‌هایش به ثبت برساند» (Mohsen, 1991: 57). این حرکت تا دهه چهل به کندی صورت گرفت و بعد از آن زنان نویسنده ای همچون دانشور حرکت تازه‌ای به آن دادند و تا دهه پنجاه این جنبش ادامه یافت. «چنان که در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۴۰، در برابر هر هجده نویسنده مرد، یک نویسنده زن وجود داشته است» (Mirabдини, 2013: 65). در دهه شصت، عرصه جدیدی برای نویسندگان جوان پیدا شد و در دهه هفتاد، زنان جای پای خود را در ادبیات محکم کردند و در دهه هشتاد، داستان‌نویسی زنان، صبغه فمینیستی گرفت. بدین صورت که «در دهه هفتاد و هشتاد در برابر هر سه نویسنده مرد با یک نویسنده زن روبه‌رو بوده‌ایم» (Mirabдини, 2013: 65). در دهه نود، ظهور جریان فمینیستی در رمان‌نویسان این دهه نسبت به دوره‌های قبل به صورت چشمگیر افزایش یافت؛ به گونه‌ای که «تعداد نویسندگان زن و مرد برابر می‌شود» (Khurshidfar, 2014).

رمان‌ها به عنوان یکی از فرآورده‌های زبانی و یکی از ژانرهای پرطرفدار ادبی، تجلی‌گاه هویت‌ها و روابط اجتماعی‌اند و همچون آینه‌ای جریان‌های پنهان قدرت، سلطه و ایدئولوژی را که مفاهیمی گفتمانی‌اند، منعکس می‌سازند. از آنجا که آثار ادبی و از جمله رمان‌ها، طیف وسیعی از خوانندگان را به خود جلب می‌کنند، تأثیر انکارناپذیری در جهت‌دهی به اندیشه و کنش مخاطبان خود دارند (Vahedi & Seyed, 2015). به دلیل حضور شخصیت‌های زن و مرد در رمان‌ها، این متون به عرصه خودنمایی و رویارویی ایدئولوژی‌های جنسیتی تبدیل می‌شوند.

/این خیابان سرعت‌گیر ندارد نوشته مریم جهانی، رمانی اجتماعی با نگاه زن‌محور در حوزه مسائل اجتماعی و حقوق زنان در بستر فرهنگ سنتی حاکم بر بخشی از ایران است. رهش نوشته رضا امیرخانی نیز رمانی با رویکردی اجتماعی و انتقادی است. داستان روایت اختلافات زن‌وشوهری به اسم لیا و علا است.

در این پژوهش از نظریه گفتمان لاکلا و موف (۱۹۸۵) و روش نشانه‌شناسی سلطانی (۱۳۹۳) استفاده می‌شود که تلفیقی از تحلیل‌های نشانه‌شناختی و گفتمانی است. طبق این نظریه، گفتمان، نظامی معنایی است که همه پدیده‌های اجتماعی را تولید می‌کند و به آن‌ها معنا می‌بخشد؛ به طوری که خارج از چارچوب گفتمان هیچ چیزی قابل فهم نیست (Soltani, 2014: 99). در این نظریه خود گفتمان‌ها نیز نیاز به هویت دارند و هویت آن‌ها با ارجاع به مفهوم غیر یا دیگری به دست می‌آید؛ بنابراین، همواره با دست کم دو گفتمان مخالف روبه‌رویم. فرایندهای گفتمانی صرفاً شامل

نظام‌های نشانه‌ای (زبان گفتاری و نوشتاری، ارتباطات بصری و جز آن) نمی‌شود، بلکه کل حوزه اجتماع را دربرمی‌گیرد (Jorgensen & Phillips, 2017: 68). براساس این نظریه، جامعه به‌مثابه کلیتی درنظر گرفته می‌شود که محصول گفتمان است و همه پدیده‌های اجتماعی و تولیدات فرهنگی از جمله رمان، تحت تأثیر نظام‌های گفتمانی حاکم بر آن جامعه قرار دارند.

براین‌اساس، مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که موضوع جنسیت در دو رمان رهش و /این خیابان سرعت‌گیر ندارد چگونه بازنمایی شده است. هدف این است که از رهگذر این مطالعه دریابیم که در رابطه با موضوع جنسیت چه باورها و ایدئولوژی‌هایی در جامعه ایرانی وجود دارد و این باورها و ایدئولوژی‌ها را چگونه می‌توان براساس شرایط و تحولات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جامعه در رمان‌های منتخب تبیین کرد. به این منظور، از رویکرد تحلیل گفتمان لاکلا و موف (۱۹۸۵) و روش تحلیل سه‌سطحی نشانه‌شناسی گفتمانی (Soltani, 2014: 50) بهره خواهیم گرفت.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش در حوزه جنسیت به اوایل دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. پژوهشگرانی چون ترادگیل^۱ (۱۹۷۲)، لباو^۲ (۱۹۷۲)، لیکاف^۳ (۱۹۷۳)، فیشمن^۴ (۱۹۸۳) و کامرون^۵ (۱۹۸۸) نخستین پژوهش‌ها در این زمینه را انجام داده‌اند. پژوهش‌های اولیه بیشتر بر تفاوت‌های گفتار زن و مرد و واژه‌های جنسیت‌زده در زبان، تمرکز داشت. برای نمونه، لیکاف به ویژگی‌های گفتار زنان پرداخت و به باور او به‌حاشیه‌راندن زنان و قاتل شدن به فرودستی آن‌ها، هم در شیوه گفتار خود آن‌ها و هم در شیوه گفتار دیگران درباره آن‌ها متجلی می‌شود. وی ریشه برخی از نابرابری‌های زبانی علیه زنان را در این مسئله می‌داند که هویت آن‌ها مستقل نیست و براساس رابطه‌ای که با مرد دارند، تعریف می‌شود. یکی از جنبش‌ها و مکتب‌های فکری تأثیرگذار بر مطالعات حوزه جنسیت، جنبش فمینیسم است. هدف اصلی فمینیست‌ها در آغاز دستیابی به برابری اجتماعی و برخورداری از حقوق مساوی با مردان بود، اما بعدها دامنه این اهداف گسترده‌تر شد و کنار گذاشتن تبعیض‌های جنسیتی به یکی از اهداف اصلی آن‌ها مبدل شد. شولتز^۶ (۲۰۱۴) و کوپر^۱ (۱۹۸۹) با انجام پژوهش‌هایی به این نتیجه دست یافتند که

1. Peter Trudgill
2. William Labov
3. Robin Lakoff
4. Pamela Fishman
5. Cameroon
6. Schultz

تلاش فمینیست‌ها برای زدودن تبعیض‌های جنسیتی در زبان، در زبان نوشتار به نحو چشمگیری موفق بوده است.

درباره این دو رمان تا جایی که جست‌وجوهای ما نشان می‌دهد، نقدهای جداگانه‌ای به انتشار رسیده است که شماری از آن‌ها همچون سلیمی و رحمتی‌زاده (۱۳۹۶) در دسته نقد ژورنالیستی جای می‌گیرند. محوریت این نقدها بیشتر بر معرفی اثر و تقدیر از آن است. همچنین یادداشت محمد قائم‌خانی (۱۳۹۶) با عنوان «این خیابان چیزی ندارد» با رویکردی انتقادی، نویسنده رمان را به چالش کشیده است و رمان را فاقد طرح و گره‌گشایی می‌داند. وی تنها قوت اثر را تمایزهای زبانی در دیالوگ‌های دوزبانه گُردی و فارسی می‌داند که داستان را با شیرینی همراه ساخته است. اما رویکرد پژوهش‌های علمی که به این دو رمان پرداخته‌اند می‌تواند در دو دسته رویکردهای فمینیستی و جامعه‌شناسی طبقه‌بندی کرد.

۲-۱. پژوهش‌های با رویکرد فمینیستی

اسکندری شرفی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقد فمینیستی رمان *این خیابان سرعت‌گیر ندارد*» با رویکرد فمینیستی رمان را بررسی کرد تا جلوه‌های زن و نشانه‌های زنانه‌نویسی را در رمان کشف کند. وی به نتایجی دست یافت که دغدغه اصلی همه زنان نویسنده است؛ زنان به‌دنبال استقلال مالی هستند و آن را نوعی پرخاش زنانه به خشونت اقتصادی مردان می‌دانند.

رحیمی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختارشکنی و تقابل‌های دوگانه در رمان *این خیابان سرعت‌گیر ندارد*» به واکاوی عناصر زن‌نوشته ادبیات معاصر پرداخت. توصیف مسائل دنیای زنان با رویکردی انتقادی و اعتراض به هویت مردد و سرگردانی بین دنیای مردسالار و تمایلات زنانه از مباحث مهمی است که نویسنده در این رمان بررسی کرد.

موسوی‌پور (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل شخصیت لیا در رمان رهش رضا امیرخانی براساس رویکرد فمینیستی» شخصیت زن رمان را از دیدگاه هلن سیکسو، نویسنده و فمینیست فرانسوی، آنجا که تقابل‌های دوگانه را واژگون می‌کند، بررسی کرد. در پایان، پژوهشگر به این نتیجه رسید که در این رمان، زن اصل است و مرد دیگری است؛ پدیده‌ای که تقابل‌های دوگانه را برعکس می‌سازد و یک زن قوی، کنشگر و جسور در رفتار و کردار را به نمایش می‌گذارد.

۲-۲. پژوهش‌های با رویکرد جامعه‌شناختی

امیری (۱۳۹۸) در مقاله «من و دیگری در / این خیابان سرعت‌گیر ندارد» بر پایه نگاه باختینی و متکی بر اهداف جامعه‌شناسی آگاهی‌ها، به بررسی این رمان پرداخت و دریافت که این داستان به‌ظاهر فمینیستی با سلب انضمامیت مردان قصه، مفهومی انتزاعی از «دیگری مرد» بر ساخته است.

پوریزدان‌پناه کرمانی (۱۳۹۹) در مقاله «نقد جامعه‌شناختی رمان رهش اثر رضا امیرخانی براساس نظریه ساختگرایی گلدمن» با تکیه بر نظریه ساخت‌گرایی لوسین گلدمن^۱ و با روش تحلیل محتوا، رمان رهش را بررسی کرد و رمان را در اهداف خود یعنی آگاهی به مخاطب موفق معرفی کرد، اما در روش‌های مؤثر و کمک به مشکلات شهری ناتوان شمرد.

گرچی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل رمان رهش» با توجه به دیدگاه آلن دوباتن^۲ (اضطراب موقعیت) با استفاده از تحلیل انتقادی و روش‌های مختلف چون نظریه آلن دوباتن و پل تیلیش^۳ رمان رهش را بررسی کرد. وی با توجه به مبانی اضطراب موقعیت که بیشتر نویسندگان جامعه‌گرا به آن دچار شده‌اند، به واکاوی این رمان پرداخت.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تاکنون مطالعه جامع و دقیقی روی این رمان‌ها صورت نگرفته است؛ بنابراین می‌توان اذعان کرد پژوهشی انجام نشده است که مفهوم جنسیت در این دو رمان را با روش لاکلا و موف و نشانه‌شناسی گفتمانی نشان دهد. به‌منظور پرکردن این خلأ، در پژوهش حاضر به بررسی نشانه‌شناسی گفتمانی جنسیت در این دو رمان می‌پردازیم.

۳. روش نشانه‌شناسی گفتمانی

برای تحلیل رمان به‌صورت کامل و جامع، نیاز به بررسی سه مرحله‌ای داریم. مرحله نخست، تحلیل نظام‌های نشانه‌ای رمان به‌مثابه یک متن است؛ یعنی تحلیل شخصیت‌های اصلی و فرعی رمان، کاربرد زبان و انسجام ژرف‌ساخت و روساخت رمان، ضرورتی انکارناپذیر است. برای دستیابی به چنین اهدافی باید به‌دنبال ابزاری کاربردی باشیم که قابلیت تحلیل همه این نظام‌ها را داشته باشد. این سطح تحلیل باید عینی و مبتنی بر داده‌هایی قابل رد یا اثبات از درون رمان باشد. مرحله دوم، تحلیل بینامتنی است؛ یعنی هر رمان با رمان‌های دیگر نویسنده سنجیده شود تا بتوان خط‌مشی و سبک نوشتاری نویسنده را آشکار ساخت و سیر فکری حاکم بر جامعه‌ای که رمان در آن فضا بازنمایی شده

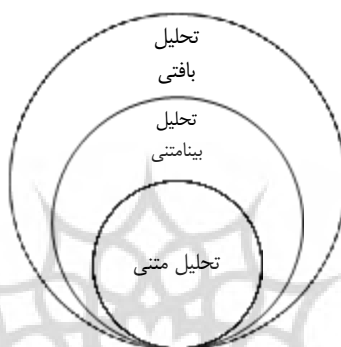
1. Lucien Goldmann

2. Alain de Botton

3. Paul Tillich

دریافت. بعد از طی این مرحله، رابطهٔ رمان با گفتمان کلان‌تری که همان اجتماع است، سنجیده شود. مرحلهٔ سوم، به تحلیل بافت اجتماعی حاکم بر رمان می‌پردازد تا براساس آن با رجوع به خارج از محیط رمان، تبیینی کلان‌تر از منظر روشنفکران اجتماعی و فرهنگی داده‌شده، رابطهٔ اثر هنری با فضای بزرگ‌تری که آن را دربرگرفته است، مشخص شود (Soltani, 2014: 50).

این سه سطح تحلیل را می‌توان به شکل زیر نمایش داد:



نمودار ۱. مراحل سه‌گانهٔ نشانه‌شناسی گفتمانی

این نوع تحلیل در نظریهٔ گفتمانی لاکلا و موف، قابل‌استناد است. این نظریه مبتنی بر نشانه‌شناسی سوسور و دریدا است که در آن هم نظام‌های نشانه‌ای زبانی قابل‌تحلیل‌اند و هم نظام‌های نشانه‌ای ترسیمی در رمان که نویسنده براساس فضای حاکم بر کلیت رمان، آن را به تصویر کشیده است. طبق نظریهٔ پساساختگرای لاکلا و موف، همهٔ عرصهٔ اجتماع، عرصهٔ گفتمان است و امور غیرگفتمانی بدون چشم‌انداز گفتمان، بی‌معنی خواهد بود.

۳-۱. تحلیل مرحلهٔ اول (تحلیل متنی)

۳-۱-۱. دال‌های شناسا در شخصیت‌ها

در نظریهٔ گفتمان لاکلا و موف می‌توان هر شخصیت را یک دال اصلی و مرکزی در نظر گرفت که دال‌های زیادی حول آن می‌چرخند و نظام نشانه‌ای خاصی را تعریف می‌کنند. به عبارت روشن‌تر، این دال‌ها که می‌توان آن‌ها را دال ارزشی نامید، سعی می‌کنند مدلولی را به دال مرکزی پیوند دهند. دال‌های ارزشی در نظام‌های نشانه‌ای عبارت‌اند از: زبان، پوشاک، تصویر، گفتار، کنش شخصیت‌ها، یا آنچه معنایی یا ویژگی‌ای به دال مرکزی می‌دهد.

۳-۱-۲. شخصیت‌های داستان

شخصیت‌های اصلی داستان / این خیابان سرعت گیر ندارد شهره (شخصیت اصلی)، حامد (همسر سابق شهره)، محبوبه (دختر خاله)، بابک (پسرعمو)، شراره (خواهر) و فرهاد (مسافر) هستند. با شناسایی دال‌های ارزشی مرتبط با هر کدام از این شخصیت‌ها و مدل‌های آن‌ها می‌توان ویژگی‌های هویتی‌شان را ترسیم کرد. با بررسی شخصیت شهره به‌مانند یک دال مرکزی و ارزشی که دال‌های ارزشی دیگر با او در پیوند هستند، می‌توان کارکرد این شخصیت در نمایاندن هدف نویسنده را بررسی کرد.

جدول ۱. ویژگی ارزشی شخصیت شهره

شماره	دال ارزشی	مدلول
۱	راننده تاکسی شهری، زندگی کردن در آپارتمان، مستقل بودن	طبقه متوسط
۲	در خانه‌اش ماهواره هست، به سنت‌ها اعتقاد ندارد، ماشینش را الیزابت می‌نامد	گرایش به غرب
۳	کمک کردن به مادر در خریدهای هفتگی، کمک کردن به محبوبه و پناه دادن به او در خانه‌اش	اخلاقی و ارزش‌مدار
۴	به زندگی با مادرش بعد از جدایی از همسرش رضایت نمی‌دهد، ماشینش را خودش سرویس می‌کند، بدون توجه به نگاه مردم	مستقل
۵	از همه لباس‌های دامن‌دار متنفر است، علاقه‌ای به آرایش ندارد، با پسرها از دوران کودکی همبازی می‌شود	شخصیت مردانه
۶	علی‌رغم مخالفت همه خانواده و تهدید فامیل به اسیدپاشی، شهره به رانندگی ادامه می‌دهد	جسور و نترس
۷	تابلوی دعای داریوش در راهروی آپارتمان شهره	ناسیونالیست

جدول ۲. ویژگی ارزشی شخصیت فرهاد

شماره	دال ارزشی	مدلول
۱	مربی ورزش است، باشگاه کشتی دارد، متمول و پولدار است، ماشین آزرای سفید سوار می‌شود، کرایه را به دلار پرداخت می‌کند	طبقه مرفه
۲	تکیه کلام‌های انگلیسی مانند ولکام لیدی و یس، زود صمیمی شدن و با اسم کوچک صدا کردن شهره	گرایش به غرب
۳	خریدن کادو در اولین ملاقات، مبادی آداب، باز کردن در برای شهره، سرزدن به خواهر و پدر و مادر در شهر تهران	مبادی آداب
۴	شوخی کردن با شهره، گل یا پوچ بازی کردن برای بیان کردن مطلبش، خندان و خوش‌مشرط	اهل معاشرت
۵	طرفداری فمینیسم و اعتقاد به آزادی زنان مثل زنان اروپا	طرفدار فمینیسم

جدول ۳. ویژگی ارزشی شخصیت بابک

شماره	دال ارزشی	مدلول
۱	ماشین خارجی سانتافه سیاه‌رنگ، داشتن کارگر برای کارهای مغازه و خانه	طبقه مرفه
۲	سنتی و پایبند به اصول فرهنگ بومی، الزام چادر برای شهره	گرایش به سنت و مذهب
۳	مردسالار و گرفتار عقاید مردانه، الزام پوشش برای همسرش	مردسالاری

شماره	دال ارزشی	مدلول
۴	با همسرش بد رفتاری و او را دیوانه خطاب می کند و در نهایت او را طلاق می دهد	خودخواه و زورگو
۵	بابک، عاشق شهره است و به خاطرش هر کاری می کند و سعی در حمایت کردن و مراقبت از او را دارد	عاشق و متعهد به عشق

جدول ۴. ویژگی ارزشی شخصیت حامد

شماره	دال ارزشی	مدلول
۱	خانواده ای که سرووضع ظاهری برایشان از نان شب واجب تر است	تظاهر به رفاه
۲	خانواده ای مدگرا و گرایش شدید به کلاس و نوع لباس و رفتار متجددانه حتی در برخورد با مشتری ها	گرایش به غرب
۳	سروکارداشتن با زنان گوناگون در محیط کار که تأثیر عمیق بر زندگی وی گذاشته بود	تنوع طلب و اخلاقی گریز
۴	هیچ گونه نشانه ای از مذهبی بودن حامد در داستان ذکر نشده است	غیرمذهبی
۵	حامد دل بستن و دل کندش حرف نداشت، حتی اشیای زندگی اش هم تابع این قاعده بودند	غیرمتعهد
۶	پوشش متفاوت خانواده و رفتارهای نمایشی برای جلب توجه مردم	مدرن

۳-۱-۳. شخصیت های اصلی داستان رهش

لیا (شخصیت اصلی)، علا (همسر لیا)، ایلیا (فرزند).

لیا: با بررسی شخصیت لیا به مثابه یک دال مرکزی و ارزشی که دال های دیگر با او در پیوند هستند، می توان کارکرد این شخصیت در نمایاندن هدف نویسنده را بررسی کرد.

جدول ۵. ویژگی ارزشی شخصیت لیا

شماره	دال ارزشی	مدلول
۱	خانواده ثروتمند، زندگی در خانه موروثی پدرش در کاشانک	طبقه مرفه
۲	در داستان هیچ گونه تصویر و گفتمانی که دال بر گرایش لیا به غرب باشد، ذکر نشده است. وی بیشتر به سنت های مادر بزرگ علاقه مند است	سنت گرا
۳	با همدیگر عهد کرده اند راست بگویند	متعهد
۴	اعتقاد به استخاره و چشم زخم. اهل صدقه دادن برای شفا دادن پای ایلیا	مذهبی
۵	با ایلیا به کوه می رود؛ طبیعت و کوهستان را دوست دارد	طبیعت دوست
۶	سخنرانی در مهمانی شهردار و جسارت در بیان خواسته هایش بدون توجه به عواقب فرمایشی آن	فمینیسم و آزادی طلب

جدول ۶. ویژگی ارزشی شخصیت علا

شماره	دال ارزشی	مدلول
۱	مرد شهرستانی از روستاهای خارستان که به تهران آمده است	طبقه متوسط
۲	با همدیگر عهد بسته اند راست بگویند	متعهد
۳	دانشجوی مذهبی در دوران دانشگاه، نقل احادیث برای رد نکردن احسان و بخشش و یادآوری این مسئله به لیا همسرش	مذهبی

شماره	دال ارزشی	مدلول
۴	ترجیح زندگی در آپارتمان بر خانه ویلایی کاشانک	مدرن
۵	برای علا هیچ چیز مهم‌تر از شغل و موقعیت کاری‌اش نیست	جاه‌طلب

۳-۲. تحلیل بینامتنی: پیداکردن دال‌های ارزشی مرتبط با دال‌های شناسا و مدلول‌های آن‌ها

۳-۲-۱. تیپ‌های شخصیتی داستان این خیابان سرعت‌گیر ندارد

از بررسی دال‌های ارزشی شخصیت شهره می‌توان نتیجه گرفت که وی زنی مستقل و جسور است. در زمان جوانی با تشویق پدرش رانندگی یاد می‌گیرد. رفتار شبه مردانه شهره در تمامی دوران زندگی‌اش قابل مشاهده است. زمان ازدواج، حتی در مراسم خواستگاری، هیچ کدام از سنت‌های مرسوم جامعه را انجام نمی‌دهد. همسرش حامد هیچ وقت او را باور نکرده و با سرزنش درباره شغلش می‌گوید: «مسافرکشی از زندگی ساقط می‌کنه. مردای این شهر مگه می‌ذارن شاخ بشی براشون» (Jahani, 2018: 110).

شهره حامی مرکزی داستان است. بیشتر زن‌های گرفتار و طردشده اجتماع به وی ختم می‌شوند: پیرزن همسایه، کمک کردن به همکلاسی قدیمی‌اش، محبوبه دخترخاله‌اش و خواهرش.



نمودار ۲. ویژگی هویتی شهره

شخصیت بابک: در میان دیگر نقش‌های داستان، پررنگ‌تر و برجسته است؛ زیرا از دوران کودکی شهره به عنوان همبازی و بعدها خواستگار او نقش آفرینی می‌کند. بابک، مردی سنتی و متمول است. وی خانواده دوست و بسیار متعصب است و در تمامی بخش‌های داستان می‌خواهد سنت اجتماع و خانواده را به هر طریقی به شهره تحمیل کند. بعد از اینکه شهره با مرد دیگری ازدواج

می‌کند، بسیار خشمگین می‌شود و برای انتقام تا مدت‌ها همسر شهره را آزار می‌دهد. در نهایت، همسرش را طلاق می‌دهد و دوباره به سراغ شهره می‌آید و می‌خواهد او را به ازدواج ترغیب کند.



نمودار ۳. ویژگی هویتی بابک

شخصیت فرهاد: در میانه داستان ظهور می‌کند و تا پایان داستان ادامه دارد. کیف مدارک فرهاد در تاکسی شهره جا می‌ماند. شهره تصمیم می‌گیرد آن را به صاحبش بدهد و این شروع یک آشنایی جدید است. فرهاد، اخلاق و رفتاری اروپایی دارد و برای زنان جامعه ارزش قائل می‌شود.



نمودار ۴. ویژگی هویتی فرهاد

۳-۳. تیپ‌های شخصیتی داستان رهش

لیا: از بررسی دال‌های ارزشی شخصیت لیا، می‌توان نتیجه گرفت که وی شخصیتی قوی و مصمم دارد. رشته معماری خوانده و به خاطر بیماری فرزندش، خانه‌دار شده است. لیا به عنوان یک زن سعی

می‌کند همسری خوب باشد، اما همسرش، علا، این زنانگی را نمی‌بیند: «اصلاً مرا نمی‌بیند. داد می‌کشد. مرا نمی‌بیند که هنوز کشیده‌ام و رعنا...» (Amirkhani, 2016: 85).



نمودار ۵. ویژگی هویتی لیا

علا: تیپ شخصیتی مردهای خشک‌مذهب، بهانه‌گیر و جاه‌طلب است. او مصلحت‌اندیش و منفعت‌طلب است. حتی فرزندش ایلیا را نادیده می‌گیرد: «علا از وجود ایلیا خوشحال نیست و لذت نمی‌برد» (Amirkhani, 2016: 58). کار و موقعیت شغلی برای علا در اولویت نخست است؛ بنابراین برای حفظ آن از همه‌چیز می‌گذرد. مردی که در خانه موروثی همسرش زندگی می‌کند و قدرتی ندارد، به‌دنبال موقعیت و قدرت اجتماعی می‌شود تا این ضعف را جبران کند.



نمودار ۶. ویژگی هویتی علا

۳-۴. از هویت فردی به هویت جامعه کوچک یعنی خانواده در رمان این خیابان سرعت گیر

ندارد

در مرحله دوم تحلیل که از جزء به سوی کل در حرکت هستیم به سطح دوم بررسی رمان می پردازیم. سطح مهم و قابل تأمل در هر جامعه ای خانواده است. از بررسی خانواده های بیان شده در رمان به ویژگی های سطح کلان دست خواهیم یافت. در این رمان، خانواده های متعددی نمایش داده شده است.

خانواده شهره: خانواده ای سنتی و اهل معاشرت؛ پدر مرحوم شهره، شخصیتی مردم دار و نامدار در بین مردم بوده است. مادر و خواهرش شخصیتی سنتی دارند. به رسوم جامعه عمل می کنند. شراره برای حفظ خانواده به فرزندآوری طبق توصیه مادرش تن می دهد تا کانون خانواده اش را گرم نگه دارد.

خانواده بابک: پدر بابک، مردی بداخلاق و سنتی است. این نقش خود به تنهایی بار مردسالاری حاکم در این خانواده را بر دوش می کشد. دایی مخالف رفتارهای شهره است، ولی بابک عاشق شهره است و تمام تلاش بابک برای آشتی این دو بی نتیجه می ماند: «وقت کردی یه سری به بابا بزن و ازش معذرت خواهی کن. ئی رفتار درست نیست...» (Jahani, 2018: 110).

خانواده حامد: در رمان اشاره ای کوتاه به خواهر حامد یعنی مهتاب (همکلاسی شهره) شده است که خوش تیپ و باکلاس است و برشی کوتاه از مراسم خواستگاری که پدر و مادر حامد از تیپ و ظاهر شهره خوششان می آید. روایت شهره از خانواده همسرش این است که تیپ و ظاهر برای آن ها مهم و ارزشمند است: «مردی که خودش و خانواده اش، کلاس را از نان شب واجب تر می دانند» (Jahani, 2018: 27).

۳-۵. هویت جامعه کوچک (خانواده) در رمان رهش امیر خانی

خانواده لیا: خانواده نسبتاً ثروتمند و اصیل تهرانی که پدر و مادری مهربان و عاشق داشته است. روایت های لیا از زندگی پر از عشق و صفای پدر و مادرش، حاکی از صمیمیت و همدلی عمیق این خانواده بوده است.

خانواده علا: پسر شهرستانی از روستاهای خارستان که به دانشگاه می رود و با دختری تهرانی و از طبقه مرفه ازدواج می کند. وی شخصیتی مذهبی دارد و مدام احساس خودکم بینی می کند و زندگی را برای لیا تلخ می کند.

۳-۶. هویت طبقاتی در رمان (تقابل میان طبقات)

در هر دو رمان، طبقات مختلف مردم تصویرسازی شده است؛ طبقات فقیر جامعه که گرفتار حل و فصل مشکلات کوچکشان هستند؛ به گونه‌ای که توان پرداخت کرایهٔ تاکسی را هم ندارند، مثل مسافران شهر، خانم ریحانی رها شده، فریبای معتاد. برعکس، طبقات مرفه جامعه که برای انعام، دلار پرداخت می‌کنند و عطر و اودکلن آن‌ها بوی این تناقض را قوی‌تر می‌کند، مثل خانواده حامد و فرهاد و بابک. البته حداقل این دو، طبقهٔ متوسط است که سعی در رسیدن به طبقهٔ مرفه دارند. اما راه زیادی برای رسیدن به رفاه اجتماعی دارند، مثل شهره قهرمان رمان و محبوبهٔ نقاش.

ویژگی طبقهٔ مرفه که در رمان بیان شده دسترسی به رفاه و آسایش نسبی بدون قیدوبند معمول جامعه، آزادی انتخاب حتی در محل سکونت است، مثل فرهاد که خانواده‌اش در تهران ساکن هستند، اما در کرمانشاه با خواهرش زندگی می‌کند، مسافرت‌های خارجی و رفتارهای روشنفکرانه و گفتارهای دوزبانهٔ فارسی و انگلیسی؛ حامد و بابک هم جز این دسته هستند.

همچنین طبقات جنسیتی دوگانهٔ فمینیستی و مردسالار پایه‌پای هم در دو رمان جولان می‌دهند. طبقهٔ قدرتمند مردسالار که نظم‌های گفتمانی بیشتر را معنا می‌دهند و حاکمیت در گوشه گوشهٔ این قدرت نقش دارد و طبقهٔ فمینیسم که به دنبال حقوق و آزادی خودشان هستند. زنانی که در نقش مادر (لیا)، همسر (شهره و محبوبه)، کارمند و شاغل (صفورا) هستند و تمامی دغدغهٔ آن‌ها داشتن یک زندگی عادی است.

۳-۷. نظم‌های گفتمانی اجتماع در رمان این خیابان سرعت گیر ندارد

با توجه به دال‌های مطرح شده در رمان و شخصیت‌های ارزشی می‌توان به دو تقابل عمده در رمان‌ها پی برد: تقابل سنت (مردسالاری) و مدرنیته (فمینیسم)؛ با بررسی دال‌های کلان هر گروه که در رمان‌ها بدان اشاره شده، می‌توان مفصل‌بندی گفتمانی را که برای تولید معنا رقابت می‌کنند، بررسی کرد. اولین نظم گفتمانی حاکم بر رمان، گفتمان مردسالاری است. در این رمان، مادر و خواهر شهره نمایندهٔ آن هستند. نظم گفتمانی دیگر در این رمان، فمینیسم و تساوی حقوق انسان‌ها است که شهره و محبوبه نمایندهٔ آن‌اند.

در رمان رهش، همین تقابل پررنگ‌تر در قالب دو قطب مهم و اصلی در شخصیت لیا و علا وجود دارد. لیا گفتمان آزادی و حقوق شهروندی بر مدار توجه به سنت مادر بزرگ و طبیعت بکر را می‌پذیرد، اما علا پیشرفت شهری و مدرنیته منفعت‌طلبانه برای ارتقای شخصی به هر قیمت ممکن را خواهان است.

در دل این دال‌های کلان، خرده‌گفتمان‌های تقابلی گوناگون مردمی-دولتی، سنتی-مدرن و همچنین خرده‌فرهنگ ایرانی-غربی و مردسالاری-فمینیسم که می‌توان به هر کدام مدل‌های خاصی را نسبت داد، قابل مشاهده‌اند.



نمودار ۷. خرده‌فرهنگ‌های مطرح در رمان‌ها

خرده‌فرهنگ غربی: حامد و فرهاد، هردو در نظم گفتمانی فرهنگ غربی جا می‌گیرند؛ فرهنگی که تمایل به ادای احترام به فرهنگ دیگری دارد و آن را نوعی روشنفکری و رشد می‌پندارند و البته چهرهٔ سیاه ندارند.

خرده‌فرهنگ مردسالاری: بابک، علا، مادر شهره و شراره، نمایندهٔ کامل فرهنگ مردسالار و حاکم بر قشر جامعه هستند. فرهنگی که محدودیت و فرمانبری را بر زن تحمیل می‌کند و بدون آن هویتی برای زن قائل نیست. کل رمان، این خرده فرهنگ را به چالش کشیده است و سعی در متعادل نگه‌داشتن آن می‌کند.

خرده‌فرهنگ فمینیسم: این خرده‌فرهنگ همان نقطهٔ عطف رمان‌های منتخب است؛ خرده‌فرهنگی که با بیان ژرف‌ساخت‌های زبانی و رفتاری در پس کلیت رمان می‌خواهد به همگان بگوید: «من زنم و می‌توانم»، اما تناقضاتی با لایه‌های بیرونی رمان دارد. شخصیت‌هایی که به‌کرات در واگویه‌های درونی با شک و تردید گفته‌اند: «من زنم آیا» و همین تضاد دوگانه، نشان از عدم موفقیت این خرده‌فرهنگ دارد.

۴. تحلیل بینامتنی

بعد از تحلیل دو رمان به‌عنوان یک متن و توصیف نظم‌های گفتمانی، برای فهم عمیق لایه‌های ژرف‌ساخت آن، بررسی رمان‌های دیگر دههٔ نود و مقایسه بازنمودهای جنسیتی بین آن‌ها احساس می‌شود.

مریم جهانی، علاوه بر این رمان، در رمان دیگرش *چراغ‌های خاموش*، بسیاری از مشکلات زنان و واقعیت‌های تلخ و دردناک زندگی آن‌ها را مطرح می‌کند. روایت مردهایی با هویت خشن و زن باید در جایگاه زن باقی بماند. به نظر، همین دغدغه در رمان *این خیابان سرعت‌گیر ندارد* ادامه یافته تا بار

گفتمانی قوی‌تری به اشتراک بگذارد. رضا امیرخانی نیز ده‌ها رمان مثل *ارمیا* (۱۳۷۴)، *من/او* (۳۷۸)، *از به* (۱۳۸۰)، *نشت‌نشا* (۱۳۸۴)، *بیوتن* (۱۳۸۷) و *قیلار* (۱۳۹۱) را نوشته است. امیرخانی در تمامی آثارش سبک خاصی را دنبال می‌کند. بیشتر درون‌مایه و محتوای آثار امیرخانی در حوزه دفاع مقدس و مذهب است؛ آثاری مانند: *ارمیا/از به*، *ناصر/ارمنی*. شاید به جرئت بتوان گفت تنها اثری که دغدغه زنان جامعه را به تصویر کشیده، رمان رهش است که قهرمان اصلی آن زنی است که می‌خواهد نقش مادری و همسری خود را در پیوند با اجتماع ایفا کند.

رمان‌نویسان دیگر این دهه چون نسیم مرعشی، در رمانش *پاییز فصل آخر سال است*، دغدغه‌ها و مشکلات دختران نسل جوان (روجا، شبانه و لایلا) را روایت می‌کند که می‌خواهند هویت فردی خود را در پیوند با اجتماع اثبات کنند. پرداخت به جنسیت و زنان در ملکان عذاب، ابوتراب خسروی، نیز مشهود است. روایت زنانی که سلسله‌وار از گذشته تا امروز مورد ظلم و تجاوز قرار می‌گیرند. روایت قیصو، مادر زکریا، که مورد ظلم مردسالاری اجتماع قرار گرفته است. روایت عشق نافرجام حوریه و شمس، مثلث عشقی (اشرف، مجد، سلیمی) و خیانت زوجین از موارد دیگری است که در این رمان به تصویر کشیده شده است.

رمان *قهوه سرد آقای نویسنده* از روزبه معین، روایت عاشقانه آرمان به دختری پیاپناز به نام یلدا است. جنسیت زن در این رمان، چهره‌ای معمایی و دست‌نیافتنی به خود می‌گیرد (عشق میکائیل به سیمین) و قهرمان داستان، سال‌ها با سایه‌ای از خاطرات گذشته زندگی می‌کند. در لایه‌های میانی رمان هم، شخصیت زنانی چون نگار و مارال روزنامه‌نگار به تصویر کشیده می‌شود که هویت مستقلی دارند و برای خواسته‌های خود می‌جنگند. رمان دیگر دهه نود *رؤیای نیمه‌شب مظفر سالاری*، روایت در بستر عشق هاشم و ریحانه شکل می‌گیرد. دو مثلث عشقی (ریحانه، هاشم و مسرور، و ریحانه، هاشم و قنواء) تقابل‌های مذهبی و اجتماعی را پررنگ‌تر می‌کند. این تقابل جنسیتی در رمان *لم‌یزرع* محمدرضا بایرامی، سند دیگری است که زنان در هر جامعه‌ای، چه ایرانی چه غیرایرانی، مغلوب سنت‌های مردسالاری می‌شوند. عشق احلی و سعدون و عاقبت نافرجام آن‌ها به دلیل همین ساختار معیوب است.

۵. تحلیل بافتی

مرحله سوم، تحلیل براساس الگوی نشانه‌شناسی گفتمانی، قراردادن درون‌مایه‌ها و نظام‌های گفتمانی به‌دست‌آمده از رمان در بافت اجتماعی کلان‌تر است. چون براساس نظریه گفتمان لاکلا و موف، اجتماع، عرصه نزاع میان گفتمان‌های مختلفی است که هرکدام تلاش می‌کنند مناسبات اجتماعی را

با توجه به الگوی خود تعریف کنند. رمان، یک محصول فرهنگی با مخاطبان بسیار است که عرصه نمود گفتمان‌های کلان اجتماع است؛ بنابراین برای دستیابی به مفصل‌بندی‌های گفتمانی و ترسیم درست، باید آن را در بستر قدرت و اجتماع بررسی کرد.

این دو رمان، محصول دهه نود است. حال باید به این سؤال پاسخ داد که بستر و فضای سیاسی و اجتماعی دهه نود برای بروز محصولات فرهنگی همچون رمان چگونه بوده است و این بستر چه تأثیری در بر ساخت گفتمانی رمان داشته است.

دهه نود یکی از دهه‌های چالش‌برانگیز در ایران بود. رئیس‌جمهور وقت در انتخابات خرداد ۱۳۹۲ با فراخوانی دال اعتدال، با اتخاذ سیاست‌های تنش‌زدایی با کشورهای غربی به پیروزی رسید و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران رو به دگرگونی رفت. تصویب برجام در این دوره، امیدواری گشایش اقتصادی مردم را فراهم کرد. اما در دوره دوم ریاست‌جمهوری با پیروزی ترامپ و بازگشت تحریم‌ها، هویت‌های سیاسی و دال و مدلول‌های گفتمانی با نوعی سردرگمی مواجه شد. همین امر سبب مبهم‌بودن مرزهای هویتی افراد جامعه شد. به طبع، کنش‌های گفتمانی و سوژه‌های گفتمانی از آزادی بیشتری برخوردار شدند و به دال‌های شناور یا خالی که در فضای گفتمان‌گونی وجود دارند فکر کنند و حتی از آن‌ها برای مفصل‌بندی به خود و ایجاد وقفه‌های گفتمانی جدید استفاده کنند (Porzaki, 2018: 251).

براساس تحقیقات انجام شده در کشورهای خاورمیانه، حضور زنان در عرصه اجتماعی-سیاسی و نیز مشارکت آنان نسبت به مردان کم بوده است. مهم‌ترین دلیل آن، مردسالارانه‌بودن ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه، محدودیت‌های عرفی و شرعی، نگرش جامعه به حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف، میزان مشارکت زنان را تحت تأثیر قرار داده است (Hashemi, 2014: 88). در دولت روحانی نیز گشایش در زمینه مشارکت سیاسی زنان به‌طور کامل محقق نشد، ولی در مقایسه با دولت‌های قبل، تحولاتی را در بیان خواسته‌های اجتماعی زنان و پررنگ شدن گفتمان‌های مدافع حقوق زنان شاهد بودیم که در دیالوگ‌های رمان‌های بررسی‌شده مشهود است. در عرصه سیاسی نیز به گزارش معاونت رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده نیز اقداماتی از قبیل: توان‌افزایی زنان روستایی، مقابله با خشونت علیه زنان و کودکان، افزایش حداقل سن ازدواج دختران انجام شده است (Vice-Chancellor of Women and Family Affairs, 2018). «هرچند این امر باعث کاهش چهار درصدی پژوهش‌های زنان، به‌خاطر سوق‌یابی عملکرد زنان و تمرکز بر انجام امور اجرایی بوده است» (Sadeghi Fasai & Khademi, 2015:13).

راننده‌شدن شهره و شروع دوباره کار در پروژه‌های معماری برای لیا در دو رمان، نشانه و نماد توجه به جنسیت زنان بوده است، اما سرخوردگی و چالش‌های مکرر، همان رسیدن به نقطه کور و پایان گفتمان تثبیت حضور مداوم زنان است. پذیرش نوع پوشش لیا در مهمانی شهردار و سخنرانی متفاوت وی، نشانه حقوق شهروندی و ابراز وجود برای زنان در گفتمان سیاسی رئیس‌جمهوری وقت است.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، دو رمان ایرانی را به صورت یک متن بررسی کردیم تا هویت شخصیت‌های اصلی و فرعی را بشناسیم و نظم گفتمان‌ها را در جامعه رمان‌ها روشن کنیم. در رمان *این خیابان سرعت‌گیر ندارد*، شهره نماینده نظم گفتمانی مدرنیته و طرفدار فمینیسم است، اما در *واکاوی‌های ژرف‌ساخت* رمان و واگویه‌های درونی این شخصیت، همچنان نقش «دیگری» وجود دارد و مردان در جایگاه بالاتری قرار دارند یا در رمان *رهش*، لیا با تمامی جسارتش در پیگیری مشکلات خانواده و شهرش، وقتی هویت فردی خویش را عریان از دغدغه‌های بزرگ‌تر در نظم گفتمانی اجتماع می‌بیند، ترس، اضطراب و تشویش در وجودش هویدا می‌شود و به کرات از خود می‌پرسد: «من زنم آیا؟».

قهرمانان زن در دو رمان، بعد از آگاهی از هویت و ارزش واقعی خود، به دنبال رهایی از بند ناآگاهی و تثبیت هویت واقعی‌شان هستند. در رمان *رهش*، آگاهی نهایی شخصیت در گریز او از وضعیت موجود و پناه‌بردن به کوه و اوج‌گرفتن در آسمان بازنمایی می‌شود و در رمان دیگر، پناه‌بردن به قبرستان و خلوت با خود و درنهایت آغاز یک جرعه امید دوباره، پایان مکاشفه‌ای داستان است.

در دو رمان، دو گفتمان کلان مدرنیته و سنت حاکم است و در سطح پایین‌تر، خرده‌نظام‌های گفتمانی مردمی، دولتی، فمینیسم و مردسالار حضور دارند. براین اساس، ظهور گفتمان‌های ریزودرشت مخالف و مرتبط با هم در مطالعه موردی به دلیل شرایط زیست اجتماعی بوده است که زیست جنسیتی را در تقابل هم قرار داده است. گفتمان‌های فرهنگ سنتی، گفتمان‌های فرهنگی مدرن نوظهور، مردسالاری، زنان تحت انقیاد، مذهب، خرافات، در بطن این دو رمان شکل گرفته است.

در طول دهه نود شمسی در ایران، دو حرکت برجسته در جهت پررنگ کردن عدالت اجتماعی ظهور کرد؛ اول، زنان در برابر نادیده گرفته‌شدن هویتشان، سعی در بازنمایی خویش داشتند (لیا با پذیرش پیشنهاد شهردار برای بررسی زمین شهری که در اختیار سفارت بیگانه بود، جنسیت اجتماعی خویش را پررنگ کرد). دوم با ابراز و اظهار خواسته‌های خویش در مقابله با سنت

مردسالاری ایستادند (شهره بعد از پشت سر گذاشتن تمام مشکلات جان فرسا برای رها کردن شغل رانندگی، باز هم به رؤیای خویش ادامه می‌دهد و ناامید نمی‌شود).

۷. تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

- Amiri, N. (2018). Me and the other in 'this street has no speed bimps'. *Sociology of Art and Literature*, 11(1), 1-22. <https://doi.org/10.22059/jsal.2019.274589.665705> (In Persian)
- Amirkhani, R. (2016). *Rahesh* (14th ed.). Tehran: Ofoq. (In Persian)
- Basheyeh, H. (2013). *Political Sociology*. Tehran: Ney publishing. (In Persian)
- Bayrami, M. R. (2016). *Barren*. Tehran: Kitab Nistan. (In Persian)
- Cameron, D. (1985). *Feminism and linguistics theory*. London: Macmilon.
- Cooper, R. L. (1989). *Language planning and social change*. Cambridge: Cambridge university press.
- Eskandari Sharafi, F. (2019). A Feminist Criticism of the Novel 'This Street Has No speed bumps' by Maryam Jahani. *Fiction Literature Research Journal*, 9(2), 19-38. <https://magiran.com/p2211804> (In Persian)
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. London: Longman.
- Fishman, P. (1983). *Interaction: the work women do*. In B, C. Kramarae, & N. Henly (eds.), *language, gender, and society* 89-102. Newbury House, Rowley MA.
- Garrett, S. (2016). *Sociology of Gender*. Translated by: K. Baghai. Tehran: Ney Publishing House. (In Persian)
- Gorji, M. (2019). Review and analysis of Rahesh's novel according to Alan Dubatan's point of view. *Institute of Humanities and Cultural Studies*, 2, 325-353. <https://sid.ir/paper/951152/fa> (In Persian)
- Ghaemkhani, M. (2016). *This street has nothing*. Adab city. shahrestaneadab.com <https://shahrestanadab.com/Content/ID/7878> (In Persian)

- Green, K., & Labihan, J. (2013). Textbook of theory and literary criticism. Translated by: H. Payandeh. Tehran: Rozengar Publishing House. (In Persian)
- Hashemi, A. (2014). Social factors affecting women's political participation (case study: women from 18 to 39 years old in Lamard city). *Journal of Women and Community*, 6(21), 87-102. <https://sid.ir/paper/169127/fa> (In Persian)
- Jahani, M. (2018). *This street has no speed bumps* (5th ed.). Tehran: Nahr-e-Karzan. (In Persian)
- Jorgensen, M., & Phillips, L. (2008). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: Sage.
- Jorgensen, M., & Phillips, L. (2017). *Theory and method of discourse analysis* (8th ed.). Translated by: H. Jalili. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Khurshidfar, A. (2014). *Works of Women Storytellers of the Nineties*. Women's Today Monthly. (In Persian)
- Labov, W. (1982). *Sociolinguistic Pattern*. Philadelphia: University of Pennsylvania press.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1972). *Hegemony and Socialist Strategy: Toward a Radical Democratic Politics*.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind: How Liberals and Conservatives Think*. Chicago: The University of Chicago Press
- Marashi, N. (2013). *Autumn is the last season of the year*. Tehran: Cheshme Publishing House. ((In Persian).
- Mirabдини, H. (2013). *One hundred years of Persian story writing*. Tehran: Cheshme. (in Persian)
- Moein, R. (2016). *Mr. Author's cold coffee* (32nd ed.). Tehran: Nimage. (In Persian)
- Mohseni, M. (1391). A research on the theory and methods of discourse analysis of Fairclough. *Cultural and Social Knowledge*, 3, 63-86. <https://sid.ir/paper/235439/fa> (In Persian)
- Mousavipour, S. (2018). Analysis of Leah's character in Rahesh Reza Amirkhani's novel based on a feminist approach. *Rukhsare Zaban*, 9, 46-60. <https://magiran.com/p2033363> (In Persian)

- Porzaki, G. (2018). Transformation in discourse encounter in the Islamic Republic of Iran. *Islamic World Political Sociology*, 2(7), 231-254. <https://doi.org/10.22126/rp.2020.4061.1152> (In Persian)
- Purizdan Panah Kermani, A. (2019). Sociological criticism of Reza Amirkhani's Rahesh novel based on oldman's constructivism theory. *Fiction Literature Research*, 3(9), 19-36. (In Persian)
- Rahimi, F. (2018). Analyzing deconstruction and dual confrontations in the novel 'This Street Has No Speed bumps'. *Persian Language and Literature Journal*, 240, 140-167. <https://sid.ir/paper/361278/fa> (In Persian)
- Robbins, R. (2009). *Literary feminisms*. Translated by: A. Abu Mahboob. Tehran: Afraz publishing house.
- Sadeghi Fasai, S., & Khademi, A. (2015). Meta-analysis of four decades of research in the field of women's participation. *Women's Social-Psychological Studies*, 2(14), 35-62. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2016.2487> (In Persian)
- Salari, M. (2014). *Midnight Dream*. Tehran: Marafet Library Publications. (In Persian)
- Schultz, U. (2014). Raising gender awareness of judges- elements for judicial education in Germany. *International Journal of the Legal Profession*, 3, 345-355.
- Soltani, A. (2012). Discourse analysis as a theory and method. *Journal of Political Sciences*, 28, 153-180. (In Persian)
- Soltani, A. (2014). Discourse semiotics of a separation. *Sociological Studies*, 2(21), 72-43. <https://sid.ir/paper/264357/fa> (In Persian)
- Trudgill, P. (1972). Sex, covert prestige and linguistic change in the urban British English of Norwich. *Language in Society*, 1, 179-195.
- Vahedi, V., & Seyed-Rezaei, Z. (2015). Critical discourse analysis of the stories of Jalal Al Ahmad and Simin Daneshvar (case study: gender stereotypes). *Journal of Literary Criticism and Stylistics Research*, 3(25), 203-223. <https://www.magiran.com/p1643644> (In Persian)
- Vice-Chancellor of Women and Family Affairs (2018). The report of the actions of the Vice President for Women and Family Affairs in 2017 to Dr. Rouhani. Government information database: <https://www.dolat.ir/detail/321054> (In Persian)